

# صدای آزادی این بار زنانه است

درباره کتابی از مجموعه یادداشت‌های فعالان زن افغانستان که روند احقاق حق خود را روایت کرده‌اند



## پاپ کتاب خاطرات منتشر می‌کند

پاپ فرانسس به‌عنوان اولین پاپ کتاب خاطراتش را منتشر می‌کند. انتشارات پنگوئن رندوم هوس اعلام کرد که پاپ فرانسس خودزندگی‌نامه‌ی «امید» را منتشر کرده است که در ژانویه در ۸۰ کشور جهان منتشر و توزیع می‌شود و این نخستین کتاب خاطراتی محسوب می‌شود که توسط یک پاپ در مقام مسئول منتشر خواهد شد. پاپ و دیگر نویسنده‌ی این کتاب که کارلو موسوناشر ایتالیایی است، از شش سال پیش نوشتن این کتاب را شروع کردند و در ابتدا قرار بود که بعد از درگذشت پاپ منتشر شود اما براساس بیانیه‌ی پنگوئن رندوم هوس فرصت انتشار در زمان جشن «جوبیلی» سال ۲۰۲۵، همچنین «بناهای عصر کنونی»، پاپ را برانگیخت تا در زمانی که در قید حیات است کتاب را منتشر کند. «امید» روایتگر داستان زندگی پاپ فرانسس است و به ریشه ایتالیایی او و مهاجرت اجدادش به آمریکای لاتین همچنین کودکی، نوجوانی، انتخاب شغل، زندگی بزرگسالی اش و دوران فعالیت به‌عنوان پاپ می‌پردازد.



## نخستین نمایش گلابیاتور ۲

نخستین نمایش فیلم «گلابیاتور ۲» ساخته ریدلی اسکات، با واکنش مثبت منتقدان سینمایی همراه شد. به گزارش ایسنا، قسمت دوم فیلم «گلابیاتور» برای نخستین بار در استودیو پارامونت در لس آنجلس نمایش داده شد که رسانه‌ها و منتقدان فیلم اولین نگاه را به فیلم با بازی دنزل واشنگتن، پل مسکال و پدرو پاسکال در این فیلم سینمایی به کارگردانی ریدلی اسکات داشتند. در «گلابیاتور ۲» به کارگردانی ریدلی اسکات، پل مسکال در نقش یک لوسیوس وروس دوم، برادرزاده امپراطور کومودوس در فیلم اصلی (با بازی واکین فینیکس) بازی می‌کند. لوسیوس پس از اینکه مجبور به بردگی برای نبرد نه به‌عنوان یک فرمانروا، بلکه به‌عنوان یک گلابیاتور برای انتقام و قدرت می‌شود، به رم بازمی‌گردد و به دنبال بازگرداندن شکوه به مردمش است. این فیلم دوده‌پس از نمایش قسمت اصلی اش در سال ۲۰۰۰ با بازی راسل کرو و واکین فینیکس به سینما می‌آید، فیلمی که پنج جایزه اسکار را برد و ۴۶۵/۴ میلیون دلار در سراسر جهان به دست آورد.



## ژان لوک گدار در سینماهای آمریکا

نسخه ترمیم‌شده «زن زن است» ساخته ژان لوک گدار، با کیفیت کی فور از طریق ریالتو پیکچرز در سینماهای آمریکا نمایش داده می‌شود. این فیلم ۱۹۶۱ که با بازی آنرا کارینا، ژان کلود بریالی و ژان پل بلوندو ساخته شده، هفتم فوریه در تعدادی از سینماهای منتخب آمریکا اکران خواهد شد تا اولین فیلم اکران شده توسط ریالتو در سال ۲۰۲۵ باشد. به گزارش مهر، نسخه بازسازی شده این فیلم که امسال در لوکارنو به نمایش درآمد، از نسخه اصلی نجاتیو ۲۵ میلی متری دیجیتالی شده، توسط «استودیو کانال» و با همکاری مرکز ملی سینمای فرانسه (CNC) انجام شده است. این فیلم به سبک فیلم‌های نئورئالیستی ساخته شده و ادای دین فیلمساز به موزیکال‌های آمریکایی و سومین فیلم بلند گدار است. پس از موفقیت غیرمنتظره «از نفس افتاده» اولین فیلم گدار و توقیف دومین فیلم او «سریاز کوچک» به دلیل موضع فیلم در قبال جنگ الجزایر، گدار این فیلم را با تهیه‌کننده‌های فرانسوی و ایتالیایی، با بودجه فراوان، به طریقه سینما اسکوپ و رنگی ساخت.



فرزاد نعمتی  
خبرنگار گروه فرهنگ

وقتی سه‌سال پیش حمله فراگیر طالبان به جمهوری اسلامی افغانستان و فتح فوری ولایات این کشور به جهان مخابره می‌شد، موجی از حیرت جهانیان را فراگرفت. بهت بسیاری از افغانستانی‌ها نیز کمتر از جهان نبود. در تمام مدتی که اخبار پیشروی طالبان در رسانه‌ها بازتاب پیدا می‌کرد، بسیاری منتظر نبرد نهایی تعیین‌کننده میان دولت و طالبان بودند. با این همه این جنگ بزرگ هیچ‌گاه رخ نداد، زیرا توافق‌های مهمتری پیش از شروع این عملیات میان بازیگران اصلی جهانی و منطقه‌ای درباره چرخش قدرت در این کشور برقرار شده بود. بدین ترتیب مردم کابل ناگهان خود را بی‌دفاع در برابر نیروهای طالبان یافتند؛ در حالی که بسیاری از آنها به مقاومت اشرف غنی‌زی، رئیس‌جمهور کشور دل بسته بودند. اینها همه اما در حالی بود که هنگامی که نیروهای طالبان به خیابان‌های کابل رسیدند و مردمان هراسان تصویری از وضعیت آشفته شهر در شبکه‌های اجتماعی هم‌رسانی می‌کردند، رئیس‌جمهور در حال خروج از مقر ریاست‌جمهوری و فرار از کشور بود. بدتر روایت‌های متفاوتی از این انفعال رئیس‌جمهور نقل شده؛ از پول‌های نقد معتناهی که او با خود به همراه برد تا رشوه‌ای ۱۱۰ میلیون دلاری که به او از جانب قطر برای نجات‌بخشیدن با طالبان داده شده بود. هر چه بود، عبدالله عبدالله، رقتار اشرف غنی، رقیب دیرین خود را نکوهید و بسم‌الله محمدی، وزیر دفاع وقت افغانستان نیز در توییتر نوشت: «دست ما را از پشت بستند و وطن را فروختند. لعنت به غنی و دار و دسته‌اش».

## فرار بزرگ

آنچه بعدتر پیش آمد و به‌خصوص مایه انتقاد گسترده به تصمیم جو بایدن به خروج نیروهای آمریکایی از افغانستان و پایان جنگ ۲۰ ساله شد، تصاویر مردمانی بود که می‌کوشیدند به هر نحوی شده است با آخرین هواپیماهایی که افغانستان را ترک می‌کنند، از کشور خارج شوند. برای کسانی که در دوران امارت اول طالبان در سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱، در افغانستان زیسته بودند، بازگشت این گروه افراسی به قدرت معنایی جز تباهی نداشت. به بیانی که روزنامه‌نگاری ایرانی به‌درستی بعدتر بدان اشاره کرد، دلیل فرار مردم از افغانستان طالبان، نمی‌توانست فقط مبنایی اقتصادی داشته باشد بلکه در اصل معلول علتی



محمد آصف  
سلطان زاده:

به‌طور قطع باور دارم که زنان در دنیا سکان تغییرات سیاسی و فرهنگی را به دست گرفته‌اند و زنان افغانستان نیز این مهم را در سرزمینی با فرهنگ مردانه، به‌شدت محافظه‌کار و مقاوم در برابر تغییر به‌عهده خواهند گرفت

مهمتر بود: «دلیل اصلی فرار مردم، بحث بر سر بدیهیات در کشورشان است. وقتی شما مجبور باشید در کشوری زندگی کنید که از صبح تا شب باید بر سر بدیهیات بحث و جدل کنید و برای کسب آنها سختی بکشید و در آخر آن را به دست نمی‌آورید یا اگر هم به دست بیاورید به دشواری باشد؛ «فرار» می‌شود یک گزینه خلاصی از این شرایط. در این وضعیت مردم به‌جای زندگی عادی، مشغول بحث و جدل بر سر بدیهیات می‌شوند.»

## زنان عمده‌ترین قربانیان طالبان

معضل ضدیت حکومت طالبان با بدیهیات حکمرانی و اداره کشور را می‌شود از پنجره‌های تحلیلی و تاریخی متفاوتی به تماشای نشست. یکی از رایج‌ترین صورتبندی‌ها برای توجیه معمولی نبودن طالبان، ضدیت عمده و بی‌چون‌وچرایی است که آنها نسبت به توسعه در تمام ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی آن، به‌نحوی که در دنیای معاصر مقبول افتاده است، دارند. چنین نگرش عقب‌مانده‌ای البته کل جامعه افغانستان را در درازمدت دچار بحران خواهد کرد. با این همه، در میان تمام گروه‌بندی‌های سنی، قومی، مذهبی، زبانی، طبقاتی و...، آن گروهی که بیشترین آسیب را از امارت طالبان - آن‌هم نه حتی در میان مدت و درازمدت که در کوتاه‌مدت - خواهند خورد، زنان افغان خواهند بود؛ گروهی که از پس تشکیل جمهوری اسلامی افغانستان، در دو دهه اخیر این شانس تاریخی را یافت که از حق تحصیل، اشتغال و سفر برخوردار شود و در امور سیاسی و اجتماعی مشارکتی متفاوت نسبت به دهه‌های پس از اشغال کشور به دست روس‌ها پیدا کند.

خواست اصلاحات در حقوق زنان در جامعه افغانستان البته امری ریشه‌دارتر از این اصلاحات اخیر است. نخستین بار در دوران امان‌الله خان (۱۹۲۹-۱۹۱۹) کسانی چون محمود طرزی و ثریا طرزی اصلاحاتی را در قوانین کشوری ایجاد کردند. آنها کوشیدند از تعدد زوجات برای مردان ممانعت به عمل آورند و شرط موافقت دختران برای ازدواج و اجازه زنان برای طلاق را جلوه حقوقی ببخشند. در همین دوران بود که «انجمن حمایت نسوان» به دست ثریا طرزی و سراج‌البنات تاسیس شد؛ انجمنی که در پی استقلال و آزادی زنان بود و با تبحر تفکیک جنسیتی، از لزوم برخورداری زنان از حرفه و شغل دفاع می‌کرد. این اصلاحات البته چندان مورد پذیرش اکثریت جامعه افغان نبود و بعد از برکناری

امان‌الله خان، حقوق زنان به فراموشی سپرده شد. بعدتر در

سال ۱۹۶۴، در دولت ظاهرشاه، «قانون اساسی مترقی» نوشته شد. هدف این قانون که زنان نیز در تهیه آن نقش داشتند، حرکت تدریجی به سوی دموکراسی و مدرنیزاسیون اجتماعی و اقتصادی در کنار تضمین آزادی اجتماعات، آزادی تشکل و آزادی بیان بود و علی‌القاعده در آن به حقوق برابر زنان با مردان نیز توجهی ویژه شده بود. طبق این قانون به زنان حق رأی داده می‌شد و «شأنیت، آموزش اجباری و آزادی کار» زنان تضمین می‌شد. در همین دوران به دست زنان تحصیلکرده، «انجمن رفاه زنان» بنیان نهاده شد که اهداف «انجمن حمایت نسوان» را دنبال می‌کرد. این ظرفیت‌های پدیدآمده اما با افتادن کشور در ورطه کودتا، قدرت‌یافتن طالبان در میانه دهه ۱۹۹۰ میلادی، ناپوشید. از نظر نگاه طالبان، نه حتی مشارکت زنان در امور سیاسی و اجتماعی، بلکه حضور آنها در عرصه عمومی بدون حضور مردان محرم، امنیت روانی جامعه را بر هم می‌ریخت، بنابراین بهترین جایگاه برای زنان، خانه و اصولی‌ترین نقش برای آنها در جامعه، تداوم نسل تلقی می‌شد. با وجود تمام این سختگیری‌ها، جامعه افغانستان همچنان پدیده‌های انسانی حقوق بشر و حقوق زنان را در خود می‌پروراند و این پرورش پنهانی خود را در اموری چون آموزش زیرزمینی دختران نمودار می‌کرد. با سقوط طالبان اما به کلی ماجرا لااقل در سطوح رسمی و قانونی، تغییری بنیادی کرده و حق آموزش، اشتغال، دادخواهی و انتخاب پوشش به رسمیت شناخته شد و تا حدودی نیز اجرایی و عملیاتی شد.

## آزادی زنان خواسته‌ای لوکس نیست

با این تفاسیر بدیهی به‌نظر می‌رسد که زنان نگران‌ترین قشر جامعه افغانستان در سه‌سال اخیر بوده باشند؛ به‌خصوص زنانی که در آغاز هزاره سوم میلادی، از حقوق قانونی خود استفاده کردند، به‌تحصیل پرداختند، استقلال شغلی و مالی پیدا کردند، در رسانه‌ها و عرصه‌های فرهنگی و هنری شکوفا شدند، در مجالس قانون‌گذاری مشارکت داشتند و توانستند در برابر فرهنگ‌های نادرست سنتی و تفاسیر متحرانه از اسلام، ایستادگی کنند. رشد شاخص‌های توسعه و وضعیت زنان در جامعه افغانستان در دو دهه اخیر کند اما مثبت و غیر قابل انکار بود و شاید به همین دلیل اقصا، نخستین اعتراضات مهم مدنی در افغانستان نسبت به حکمرانی عقب‌افتاده طالبانی را زنان افغان رقم زدند. آنها در فضای پر از ترس و اضطرابی که این کشور را درنوردیده بود، سد سکوت را شکستند و در خیابان‌ها به‌صورت علنی از محدودیت‌هایی که طالبان بر

کابینه ای قهرمان  
با حضور زنان

A heroic cabinet  
With the presence of  
women



عکس: Reuters